

A Review of Fear of Success among Woman

Maryam Khademi *

Abstract

The present study is a review that examines the fear of success and the causes and factors affecting this phenomenon, especially in women. Because women make up half of the world's population, addressing their role in society's development process is crucial. A look at the history of the status of women shows that men and women play different roles in society and social groups and occupy different positions in terms of power and status. Not only because of biological differences but also under the influence of ideology, historical, economic, and cultural past, in which they operate so strongly and harmoniously that can easily produce and reproduce the inferior position of women. Theory and research on the psychological construct of “fear of success” are reviewed in the context of Horner's original (1968) formulation of the motive. It is identified as an internal psychological representative of the dominant societal stereotype which views competence, independence, competition, and intellectual achievement as qualities inconsistent with femininity even though positively related to masculinity and mental health.

The fear of failure is intuitively understandable. In societies obsessed with success, failure is regarded as a catastrophe, and to some extent, we all fear it. Ironically, however, we're also driven by the fear of success, a much more mysterious force. Among the reasons for progress failure, fear of success plays a significant role that should not be ignored. Fear of success has been argued as a powerful phenomenon, especially among women. Matina Horner (1972) considered that fear of success is more specific to women, being originated in their' perceptions of negative consequences for their achievement in traditionally male domains. It means that the expectancy that success in achievement-related situations will be followed by negative consequences arouses fear of success in otherwise achievement-

* Ph.D student of psychology, Department of Psychology, Faculty of Education Science and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

maryamkhademy66@gmail.com

motivated women which then inhibits their performance and levels of aspiration. Females also predict lower grades for themselves and predict poorer performance on novel experimental tasks even when they have already outperformed males in that area. An explanation for this gender difference lies in the different attributions males and females make about failure. Moreover, women are conflicted when they have competencies and interests that could be against their stereotypical internalized gender role. Based on the collected findings of the studies assessing the “fear of success,” it is worth mentioning that the fear of success can comprise a fear of our greatness, evasion of our destiny, or a way of avoiding exercising our full talents. Thus the present study first examines the concept of fear of success and its causes and then deals with cultural, social, and gender issues affecting this phenomenon.

Keywords: fear of success, success, women



Acknowledgments: The author thanks all dear colleagues and professors who have helped in this research. I feel it necessary to thank my respected to Professor Soodabeh Bassak Nejad for her support and scientific guidance.

Conflicts of Interest: The author declares there is no conflict of interest in this article.

Funding: This article did not receive financial support

مروری بر ترس از موفقیت زنان

مریم خادمی*

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مفهوم ترس از موفقیت و علل و عوامل تاثیرگذار بر این پدیده به ویژه در زنان است. از آنجا که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، پرداختن به نقش آنها در فرآیند توسعه جامعه اهمیت عمده‌ای دارد. نگاهی به تاریخچه مساله جایگاه زنان نشان می‌دهد که زن و مرد نقش‌های متفاوتی در جامعه و گروه‌های اجتماعی ایفا کرده و جایگاه‌های متفاوتی به لحاظ قدرت و منزلت اشغال می‌کنند، ولی نه صرفاً به خاطر تفاوت‌های زیست‌شناختی، بلکه تحت تأثیر عوامل تاریخی، اقتصادی و فرهنگی، که آن چنان قوی و هماهنگ عمل می‌کنند که به راحتی می‌توانند موقعیت ترس از موفقیت زنان را تولید کنند. از میان عللی که سبب ساز عدم پیشرفت فرد می‌باشد، ترس از موفقیت آمار چشم‌گیری به خود اختصاص داده است که توجه به آن خالی از لطف نیست. این مفهوم برای اولین بار توسط (Matina Horner (1972 معرفی شد. به باور وی ترس از موفقیت بیشتر مختص زنان و ناشی از برداشت آن‌ها از پیامدهای منفی موفقیت آنها در حوزه‌های سنتی مردانه بوده و زنان زمانی دچار تضاد می‌شوند که دارای صلاحیت‌هایی باشند که می‌تواند بر خلاف نقش جنسیتی درونی شده کلیشه‌ای آنها باشد. لذا پژوهش حاضر ابتدا به مفهوم ترس از موفقیت و علل شکل‌گیری آن و سپس به عوامل فرهنگی، اجتماعی و نقش‌های جنسیتی به منزله عوامل مؤثر بر این پدیده می‌پردازد.

کلید واژگان: ترس از موفقیت، زنان، موفقیت

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
maryamkhademy66@gmail.com

مقدمه

انسانها از بدو تولد برای پیشرفت و زندگی هرچه بهتر در تکاپو بوده و از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. با نگاهی موشکافانه متوجه می‌شویم فقط تعداد اندکی موفق شده و به مراتب بالاتر صعود می‌کنند. اگر چه افراد توانمند ممکن است نتوانند پیشرفت کنند و به موفقیت‌های شایان توجه دست یابند. چنین وضعیتی سبب می‌شود فرد به جستجوی این پرسش بپردازد که چه امری سبب ساز این شرایط است؟ (Yazdi and Afsharinezhad, 2021). سالهای متمادی است که محققین با بهره‌گیری از پژوهش‌های تجربی به بررسی انگیزه پیشرفت و کسب موفقیت در زنان و مردان پرداخته و بر این اساس مدل‌های مختلفی برای چگونگی شکل‌گیری انگیزه پیشرفت یا علل عدم گرایش به آن ارائه نموده‌اند. اگرچه این مدل‌ها کمک موثری برای توصیف رفتار پیشرفت و موفقیت بوده ولی هیچ کدام نتوانسته‌اند به طور روشن به سوالات گسترده درباره چرایی اختلاف رفتار پیشرفت زنان و مردان پاسخ دهند (Mansoobifar et al, 2012). یکی از ابهامات موجود در رفتار پیشرفت وجود رفتارهایی در چارچوب رفتار اجتناب از موفقیت است. اجتناب از موفقیت به شیوه‌های مختلفی در روان تحلیل‌گری، انسان‌گرایی، نظریه‌های جامعه‌شناختی و نظریه‌های انگیزشی توصیف شده است. (Mehrbizadeh, 2004). فروید تلاش کرد تا مکانیزم‌های در پس ترس از موفقیت را در مقاله‌ای به نام "آنهايي که توسط موفقیت ویران شدند" آشکار سازد. او خاطر نشان کرد که بعضی از مردم هنگامی که به خواسته‌ای عمیق و دیرینه دست یابند بیمار می‌شوند (Kets De Vries, 2017). به گفته او اصلاً غیرعادی نیست که ایگو آرزویی را تا زمانی که به تنهایی در خیال وجود دارد و از تحقق دور به نظر می‌رسد، بی‌ضرر تحمل کند، در حالی که ایگو با نزدیک شدن به تحقق آن آرزو و تهدید به تبدیل شدن به واقعیت، به شدت از خود در برابر چنین آرزویی دفاع می‌کند (Rabstejnek, 2015). فروید از دیگاه روانکاوی به توصیف پدیده‌ای به نام نوروژ رقابت می‌پردازد که نوعی ترس از موفقیت و برنده شدن است. همچنین Maslow (1926) در نظریه انسان‌گرایانه خود و در توصیف هرم سلسله مراتبی نیازها اشاره می‌کند که در فرهنگ‌های فردگرا، بعضی افراد از رسیدن به موفقیت می‌ترسند و به آن عقده یونس (یوحنا) می‌گویند. به نظر وی، این ترس، حرکت به سوی بالای هرم سلسله مراتب

نیازها را مشکل می‌سازد و منجر به اجتناب از پذیرش مسئولیت و ترس از شناخته شدن به عنوان انسان موفق می‌گردد (Mehrabizadeh Honarmand et al, 2004).

انگیزش پیشرفت و ترس از موفقیت

در زمینه مطالعات انجام شده‌ای که پیرامون ترس از موفقیت صورت پذیرفته است می‌توان به تحقیقات (Tresmer (1977); Chery and Deaux (1978); Koffman and Richardson, (1982); اشاره نمود. با بررسی این گونه پژوهش‌ها می‌توان مبانی نظری ترس از موفقیت را در حیطه انگیزش‌های اجتماعی مطرح نمود. انگیزش به حالتی درونی از ارگانسیم اشاره دارد که هدایت رفتار را به سوی هدفی موجب می‌شود. به طور کلی انگیزش را می‌توان به عنوان نیروی محرک فعالیت‌های انسان و عامل جهت دهنده آن تعریف کرد (Mansoobi far, 2012).

(Moehher and Klever (1985) توصیف می‌کنند که یکی از مفاهیم مرتبط با انگیزه، مفهوم نیاز است. نیاز به پیشرفت یا انگیزه پیشرفت یکی از موارد مهم می‌باشد (Mansoobifar, 2012).

(McClelland (1985 انگیزه پیشرفت را به عنوان نیروی بهتر انجام دادن کارها مطابق با معیارهای سطح بالا تعریف کرده است. چنانچه در پژوهش (Mansoobifar et al. (2012 آمده است نخستین شکل بندی از انگیزه پیشرفت توسط Murray (1938 صورت گرفت و پس از او (McClelland (1951 انگیزه پیشرفت را وارد مسائل اجتماعی کرده و استدلال می‌کند که شرایط اجتماعی خاص و به ویژه اعمال روش‌های تربیتی ملایم و همچنین گسترش ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی معین موجب می‌شود که انگیزه پیشرفت افراد و جوامع افزایش یابد.

(Atkinson (1957 در نظریه انتظار-ارزش، بر نقش تعارض به ویژه تعارض بین نیاز به پیشرفت و ترس از شکست تأکید زیادی نمود. انگیزه پیشرفت، خود را در رفتارهایی همچون رقابت، استقلال و پیشرفت‌های حرفه‌ای نشان می‌دهد و این رفتارها از نظر تاریخی و تصورات قالبی در بین مردان با موفقیت تداعی می‌شود. بسیاری از پژوهشگران بین فرهنگی به این نتیجه رسیده‌اند که مدل سنتی پیشرفت از جمله مدل انتظار-ارزش نمی‌تواند مدلی جامع برای توصیف پیشرفت و گرایش به موفقیت ارائه دهند (Lew, et al., 1998, cited in Mehrabizadeh (honarmand et al., 2004). مفهوم ترس از موفقیت توسط Horner (1972 معرفی شد؛ عامل اضطراب‌انگیزی که اصولاً از معنا و مفهوم موفقیت استخراج شده است. (Horner (1970 به

بررسی کلیشه‌هایی پرداخت که زنان را از دنبال کردن مشاغل پزشکی، که به طور سنتی متعلق به مردان تلقی می‌شد، ناامید می‌ساخت. هنگامی که وی به مطالعه در این زمینه پرداخت، کمتر از ۱۰٪ پزشکان زن بودند. برای بررسی چنین مشکلی او از دانشجویان کالج خواست که به سناریو زیر پاسخ بدهند:

"پس از امتحانات پایان سال اول، Anne (John) خود را در صدر کلاس مدرسه پزشکی در می‌یابد."

دانشجویان زن به موقعیت Anne و دانشجویان مرد به موقعیت John پاسخ دادند. دانشجویان مرد John را به عنوان دانشجوی پزشکی سخت‌کوش و علاقمندی که پزشک موفق خواهد شد توصیف کردند:

"John جوان وظیفه‌شناسی است که سخت کار می‌کند. او از خودش راضی بوده و همیشه آرزو داشته به دانشکده پزشکی برود و بسیار علاقمند است. او به سخت کوشی خود ادامه می‌دهد و در نهایت به عنوان دانشجوی برتر در کلاس خود فارغ‌التحصیل می‌شود (Horner, 1970). با این حال، دانشجویان زن به موفقیت Anne در دانشکده پزشکی به صورت منفی پاسخ دادند. آن‌ها می‌ترسیدند که Anne ممکن است از عواقب منفی موفقیت خود، از طرد اجتماعی گرفته تا مناسب نبودن برای ازدواج، رنج ببرد:

"Anne نمی‌خواهد نفر اول کلاسش باشد. او احساس می‌کند به دلایل اجتماعی نباید رتبه بسیار بالایی کسب کند. او به رتبه نهم در کلاس افت می‌کند و سپس با پسری که به عنوان دانشجوی برتر در کلاس فارغ‌التحصیل شده ازدواج می‌کند."

در مطالعه Horner (1970) برخی دانشجویان زن حضور داشتند که حتی امکان شرکت Anne در دانشکده پزشکی برای آن‌ها قابل تصور نبود:

"Anne با مشاورش صحبت می‌کند. مشاور به او می‌گوید که او پرستار بسیار خوبی خواهد شد. او دوره‌های دانشکده را ادامه داده و سخت درس می‌خواند و در می‌یابد که قادر است پرستار خوبی شود و پرستار خوبی می‌شود" (Horner, 1970, p, 62).

Horner طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ نتیجه گرفت که زنان انگیزه‌ای برای اجتناب از موفقیت یا ترس از موفقیت دارند؛ به گونه‌ای که از عواقب منفی موفقیتشان در حوزه‌های مردانه می‌ترسند؛ مسأله‌ای که ناشی از انتظارات اجتماعی بوده و آرزوها و دستاوردهای زنان را

محدود می‌کند. (Tomkiewicz et al., 2005) توصیف می‌کنند زنی که به دنبال موفقیت در موقعیت‌های موفقیت‌محور است در یک معما گرفتار شده است. او نه تنها نگران شکست است، بلکه موفقیت نیز باعث آشفتگی او می‌شود. اگر او به اهداف خود نرسد، استانداردهای عملکرد خود را محقق نمی‌سازد و اگر موفق شود، انتظارات جامعه از نقش زنان در جامعه را زیر پا می‌گذارد. اما مردان با این نوع تعارض مواجه نخواهند شد، چرا که تشویق می‌شوند در رقابت با دیگران خوب عمل کنند. می‌توان ادعا کرد که رویکرد Horner در مورد ترس از موفقیت مبتنی بر چارچوب نظریه انتظار-ارزش است. انتظار اثرات منفی موفقیت در موقعیت‌های موفقیت، به افزایش ترس از موفقیت کمک می‌کند که به نوبه خود مانع عملکرد و رفتن به سوی آرزوها می‌شود (Stanculescu, 2013). Engle (2003) ترس از موفقیت را به عنوان یک مانع روانشناختی برای شرکت و پیشرفت زنان در اجتماع و در نیروی کار توصیف کرد. با این حال یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ترس از موفقیت بیش از آن که مانعی روانشناختی باشد، یک مانع اجتماعی برای زنان محسوب می‌شود. همچنین Engle (2003) اظهار می‌دارد که مطالعات مختلف به این نتیجه دست یافته‌اند که مردان و زنان نسبت به زنان موفق در زمینه‌های غیرستستی همچون پزشکی (Cherry & Deaux, 1978; Bremer & Wittig, 1980) و مردان موفق در زمینه‌های غیرستستی از جمله پرستاری (Cherry & Deaux, 1978; Janda, O'Grady & Capps, 1978; Monahan, Kuhn & Shaver, 1974) و مردان موفق در حوزه‌های متعلق به مردان خواهند داشت (Monahan, Kuhn & Shaver, 1974). این امر به ترس از موفقیت مرتبط است که خود را در پیش بینی پیامدهای منفی موفقیت به دلیل ناسازگاری جنسیتی، نشان می‌دهد؛ چرا که ثروت و موفقیت معمولاً با ویژگی‌های مردانه مرتبط بوده و زنان نیز ممکن است به طور بالقوه از پیامدهای منفی موفقیت بترسند (Kosakowska-berezecka et al., 2017).

در واقع عدم اعتماد به نفس و عدم باور به قدرت خویشتن ممکن است به این ترس منجر شود، به بیان دیگر فرد از عمل نمی‌ترسد، بلکه از نتیجه عمل می‌ترسد که به منزله مانعی بر سر راه رشد و ترقی آنان تلقی شده و باعث می‌شود فرد برای نشان دادن شایستگی‌های خود انگیزه کمتری داشته باشد (Stanculescu, 2013). در مطالعه‌ای دیگر از شرکت‌کنندگان زن و

مرد خواسته شد تا بخشی از یک مصاحبه شغلی ساختگی باشند. در طول مصاحبه، از آزمودنی‌ها سؤالاتی پرسیده شد که آنها را مجبور به ارتقای خود کرد، یعنی وادار کردن آنها به این که در مورد دستاوردهای خود صحبت کنند. این مطالعه نشان داد که مردان در این امر بسیار بهتر عمل کرده، در حالی که زنان عمدتاً با استفاده از اسامی جمعی مانند "ما" اعتبار خود را از دست دادند. زنان تمایل داشتند با توصیف کشمش و دست و پا زدن‌های قبلی خود در مقایسه با توصیف برتری خود در یک دوره، عناصر منفی را به بسیاری از دستاوردهای خود اضافه کنند (Walter & Godil, 2019). بدین ترتیب افرادی که ترس از موفقیت، از جمله ویژگی‌های شخصیتی آنان محسوب می‌شود، در مواجهه با موقعیت‌های موفقیت‌آمیز تحصیلی و شغلی، مکانیزم مقاومت در مقابل موفقیت را از خود بروز می‌دهند و کم رنگ شدن شایستگی‌ها، فرد را به حد بی‌کفایتی، نزدیک می‌کند (Sadri Damirchi & Mohammadi, 2016). به عقیده (Kets De Vries, 2017) در جوامعی که درگیر موفقیت هستند، شکست به عنوان فاجعه محسوب شده و همه ما به طور گسترده‌ای از آن می‌ترسیم. با این حال نیرویی مرموزتر یعنی ترس از موفقیت نیز ما را هدایت می‌کند. زنان نسبت به مردان تمایل زیادی به تجربه ترس از موفقیت دارند. زنانی که نیاز به موفقیت بالایی دارند، خطر بیشتری برای تجربه ترس از موفقیت دارند، زیرا برای آنان، موفقیت یک هدف زندگی است. هنگامی که زنان ترس از موفقیت را تجربه می‌کنند، انگیزه درونی پایینی نشان خواهند داد. (Puspita Sari, 2018) بیان داشته‌اند افرادی که ترس از موفقیت بالایی دارند علائم زیر را نشان می‌دهند:

۱. از دست دادن زنانگی: از دست دادن زنانگی یعنی زنان احساس کمبود فمینیسم می‌کنند. به این دلیل که زنان شاغل نمی‌توانند نقش خانگی خود (مراقبت از خانه و بچه‌ها به عنوان یک مادر و همسر) و نقش عمومی خود (رسیدگی به تمام امور شغلی مرتبط به عنوان کارمند) را به خوبی انجام دهند.

۲. از دست دادن عزت نفس اجتماعی: از دست دادن عزت نفس اجتماعی به معنای ترس از دست دادن به رسمیت شناخته شدن و احترام اجتماعی از سوی دیگران، مانند خانواده، دوستان، جامعه است.

۳. طرد اجتماعی: طرد اجتماعی به معنای ترس از طرد شدن توسط دیگران، مانند خانواده، دوستان و جامعه است. علائم طرد اجتماعی می‌تواند مانع از کار کردن و یا داشتن شانس

حمایت همسر و فرزندان برای کار کردن شود و حتی فرد به دلیل کار کردن یا موفق شدن از سوی خانواده، دوستان و جامعه مورد مذمت قرار گیرد.

علل ترس از موفقیت

سنت‌گرایی: (Mottaghi et al. (2004 بیان داشته‌اند که از نظر Horner عامل اصلی ترس از موفقیت برای زنان ظاهراً درجه‌ای از سنت‌گرایی است که در زمینه خانوادگی آنان وجود دارد. ترس از موفقیت با چهار مؤلفه نشان دهنده سنت‌گرایی خانواده شامل سلطه‌گرایی پدر، معیارهای پیشرفت شخصی، معیارهای پیشرفت اجتماعی و اعتماد به نفس، مرتبط می‌باشد. سنت‌گرایی خانواده در ساخت روحیه جمعی متأثر از پذیرش اصول اخلاقی افراد صاحب اقتدار در شکل‌گیری وابستگی‌های عاطفی نقش دارد. فرزندان به ویژه دختران در چنین محیط‌هایی می‌آموزند که مطیع پدری مقتدر، تصمیم‌گیرنده و حاکم بر اعمال و رفتار اعضای خانواده باشند که با خانواده خود مشورت نمی‌کند و فقط باورها و ارزش‌های خود را به دیگران تحمیل می‌کند. این باورها و ارزش‌ها، مجموعه‌ای از نقش‌های اجتماعی، روانی و رفتاری در فرد پدید می‌آورد که شالوده هویت است و از واکنش‌های والدین، محیط اجتماعی و فرهنگی در برابر الگوی روان-رفتاری مورد انتظار جامعه درباره جنسیت شکل می‌گیرد. بنابراین اگر در جامعه‌ای شخصیت ایده آل و شایسته زنان، خانه‌دار، مادر و کدبانوی خوب بودن است، موفقیت در زمینه شغلی برای زنان به معنای شکست در زندگی خانوادگی است که صحنه اصلی فعالیت آنان به شمار می‌آید.

الگوی ذهنی خانواده درباره ناتوانی زنان: به عقیده (Mottaghi et al. (2004 یکی از دلایل ترس از موفقیت در زنان مربوط به الگوهای ذهنی خانواده درباره ناتوانی زنان است که شامل منفعل بودن زنان، عدم ریسک‌پذیری زنان، قانع بودن زنان، نقش مراقبت‌کنندگی و یآوری در زنان، برتر شناختن پسران در توانایی پیشرفت و برآوردن نیازهای دیگران توسط زنان می‌باشد. در خانواده‌هایی که این باورها و الگوهای ذهنی در مورد زنان وجود دارد، ترس از موفقیت نیز با احتمال بالاتری در زنان دیده خواهد شد و محدودیت‌های بیشتری برای آنان پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، فرهنگی بر زنان غالب می‌شود که موفقیت را مخالف نقش خود قلمداد می‌کنند و چنان که Horner بیان می‌دارد نقش خود را به صورت سنتی، منفعل و

به دور از هرگونه تحرک و پیشرفت در زمینه اجتماعی و شغلی تعریف و تعیین می‌کنند. این وضعیت نوعی وابستگی شخصیتی را نشان می‌دهد که شغل مستقل، نیازمند رهایی از آن ولی فرهنگ حاکم موید و مروج آن است. احتمالاً یکی از پیامدهای این شرایط تعارض‌آور، ترس از موفقیت است و بروز رفتارهای نامناسب عاطفی، اختلال در روابط خانوادگی و اطاعت اداری نیز ممکن است مرتبط با شرایط یاد شده باشد.

تعارض بین موفقیت و زن بودن: مطالعات برخی دیگر از روان‌شناسان درباره علت ترس از موفقیت در زنان نشان داده است که اغلب زنان فکر می‌کنند که بین موفقیت و زن بودن تعارض وجود دارد و این یکی از دلایل ترس آنها از موفقیت است. چرا که موفقیت را با خشونت‌ورزی همراه می‌دانند و این حالت را مغایر با خصوصیات زنانگی می‌پندارند. به همین خاطر است که پاداش‌های توفیق در زنان سبب شکل‌گیری اضطراب می‌گردد (Hyde, 1998).

حساسیت به طرد: یکی دیگر از عوامل مهم در احساس موفقیت پایین در زنان، به امتیاز بالاتر آنها نسبت به مردان در معیارهای حساسیت به طرد مرتبط است. این معیار تمایل زنان به پذیرش طرد شدن به دلیل جنسیت و تبعیض جنسیتی آنها را ارزیابی می‌کند (London et al., 2012). پیامدهای حساسیت به طرد، کناره‌گیری (از فعالیت‌هایی که ممکن است منجر به موفقیت شود) و یا سکوت است. بنابراین، حس طرد شدن ممکن است به تلاش کمتر برای رسیدن به اهداف موفقیت نیز منجر شود (Anjum & Godil, 2019).

وانمودگرایی: وانمودگرایی یکی از دیگر مشکلاتی است که بر راه رسیدن به موفقیت و پیشرفت وجود داشته و به عنوان مجموعه نشانگان وانمودگرایی شناخته شده است. Clance and Imes (1978) برای نخستین بار بر اساس مشاهدات بالینی خود در درمانگاه‌های دانشگاهی، با مراجعینی روبرو شدند که علی‌رغم موفقیت شغلی و تحصیلی و کسب مدارج عالی تحصیلی، قادر به درونی کردن موفقیت نبودند، موفقیت را به شانس نسبت می‌دادند و خود را شایسته این موفقیت نمی‌دانستند. بسیاری از اشخاص توانمند و تیزهوش علی‌رغم قابلیت‌ها و موفقیت‌های روزافزون، هیچ احساس درونی درباره توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود ندارند و حتی آنان معتقدند که چون دیگران در موردشان خوب و مثبت می‌اندیشند و وی را فردی باهوش و توانمند می‌دانند، پس به نوعی دیگران را فریب داده‌اند. این افراد موفقیت‌های خود را به شانس، طلسم، خطاهای کامپیوتری و کلاً عوامل خارجی نسبت می‌دهند. بنابراین

این ویژگی مجموعه‌ای از احساسات بی‌کفایتی است که فرد باور دارد ناشایست است و قادر به کسب مهارت نمی‌باشد و این احساسات حتی زمانی که فرد توانسته است از عهده کار بربیاید، به قوت خود باقی است (Singh, 2019). وانمودگرایان در یک چرخه معیوب از احساسات نامطلوب قرار می‌گیرند. در این چرخه معیوب آنها پس از تلاش بسیار به موفقیت می‌رسند. پس از رسیدن به موفقیت احساس رهایی و راحتی می‌کنند اما از آن راضی نیستند، زیرا موفقیت را ناشی از تلاش می‌دانند نه توانایی و هوش بالا، سرانجام موفقیت را جزئی از خود نمی‌پندارند و احساس می‌کنند که رفتارهای آنها در کسب موفقیت فریب کارانه و وانمودگرایانه است و احساس ناخوشایندی را تجربه می‌کنند که همراه با تردید، اضطراب و نگرانی از آینده است. این چرخه معیوب در رویارویی با شرایط موفقیت آمیز آشکار می‌شود و با ناخشنودی از موفقیت همراه است که می‌تواند منجر به تداوم و استقرار نشانگان وانمودگرایی شود (Mehrabizadeh Honarmand et al., 2004). وانمودگرایان در شکستن این چرخه با مشکلاتی مواجه می‌شوند زیرا می‌ترسند شکستن این چرخه منجر به شکست شود. با این حال، وانمودگرایان با موفقیت بالا نیز دستاورد یا عملکرد خود را پایین ارزیابی می‌کنند و همیشه بین تلاش واقعی خود و استانداردهای موفقیت شکافی می‌یابند که هیچ ربطی به واقعیت آن ندارد (Singh, 2019).

پویایی‌های ناهشیار خانواده: ترس از موفقیت ممکن است در پویایی‌های ناهشیار خانواده ریشه داشته باشد. برای مثال، برخی از افراد به طور نمادین موفقیت را با پیروزی بر والدین یا الگوهای اولیه خود برابر می‌دانند. این امر به ویژه برای افرادی صادق است که احساسات رقابت نسبت به والدین یا خواهر برادرهای خود را به طور رضایت بخشی حل نکرده‌اند. برای چنین افرادی موفقیت به طور همزمان مطلوب و ترس برانگیز است: به این دلیل مطلوب است که آنها می‌خواهند الگوهای خود را سرکوب کنند و ترس برانگیز است به این علت که باور دارند شایسته چنین موفقیتی نیستند (Kets De Vries, 2017).

محیط اجتماعی و فرهنگی: Horney (1937) به تأثیرات اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی بر ترس از موفقیت معتقد بود. او به این موضوع اشاره داشت که محیطی که به کودک می‌آموزد، همیشه باید برنده شود، ولی به توانایی‌های او توجه نمی‌کند، ترس از موفقیت را در کودک ایجاد می‌کند. پس می‌توان گفت ریشه اصلی ترس از موفقیت در محیطی است که کودک در آن رشد

می‌کند. به عبارتی رشد در محیط نامطلوب به بروز اضطراب در بزرگسالی و پیامدهای منفی روان‌شناختی در فرد پس از رسیدن به موفقیت منجر می‌شود. این افراد هم تمایل شدیدی به موفق شدن دارند و هم ترس شدیدی برای پیامدهای آن، بنابراین وقتی به موفقیت نزدیک می‌شوند، به علت ترس از دست دادن توجه و علاقه دیگران که ناشی از عدم توانایی در ثابت نگه داشتن موفقیت و موقعیت موفقیت‌آمیز است، دچار اضطراب شده و دست از آن می‌کشند. در واقع عملکردی نامنظم و غیرقابل پیش‌بینی دارند (Yazdi and Afsharinezhad, 2021).

جامعه‌پذیری و روند تربیتی: شناساندن نقش واقعی دختر و پسر به کودکان و نوجوانان و آشنا ساختن آنها با وظایفی که عرف، عادات، قوانین و ارزش‌های اجتماعی برای هر دو جنس تعیین کرده است، احتمال دارد به نوعی باعث به وجود آمدن ترس از موفقیت شود. شواهدی وجود دارد که برخی از زنان مخصوصاً آن‌هایی که دیدگاه سنتی نقش زن را در جامعه پذیرفته‌اند، با وجودی که در موقعیت‌های رقابت‌انگیزی قرار گرفته‌اند که احتمال موفق شدنشان در آنجا بالا بوده است، از موفقیت ترسیده و از آن اجتناب کردند چون زنان در فرهنگ ما موفقیت را مخالف نقش خود می‌بینند و از آن می‌ترسند (Ghaseminik, 2015; Yazdi & Afsharinezhad, 2021). طبق نظر Horner (1972) روند تربیت و رشد اخلاقی زنان در جامعه با آموختن معیارهای ضد و نقیض به آن‌ها همراه است. از یک سو یاد می‌گیرند برای موفقیت اهمیت بسیاری قائل باشند، از سوی دیگر به آن‌ها گفته می‌شود که موفقیت در زندگی اجتماعی و کاری مخصوص مردان است و مکان مناسب برای زنان خانه و خانواده است. بنابراین ترس از موفقیت در زنان از همان نخستین سالهای زندگی شکل گرفته و رشد می‌کند. این ترس در دختران، به همراه افزایش سن و زیر بار فشارهای اجتماعی افزایش می‌یابد. Kolligian and Sternberg (1991) معتقدند که انسان با توانایی برای استقلال و جرأت‌ورزی به دنیا می‌آید. در این میان، دختران بین ویژگی‌های زنانگی خود مثل پرورش‌دهندگی، فرزندپروری و اتکای به دیگران از یک سو و رسیدن به استقلال از سوی دیگر، احساس تعارض می‌کنند. بنابراین، در بزرگسالی، بین خانواده، همسرگزینی و تربیت فرزند با موفقیت تحصیلی، شغلی و مالی، احساس دوگانگی کرده که به شک و تردید درباره توانمندی‌هایشان منجر می‌شود. به عبارت دیگر، تفکرات کلیشه‌ای بر پایه‌ی جنسیت در روند تربیتی جوامع سنتی، به زنان می‌آموزد تا به برآوردن موفقیت‌آمیز نیازهای دیگران بیشتر

ببالند تا به موفقیت‌ها و پیشرفت‌های خود. چنین ذهنیت‌هایی موجب می‌شود که زنان موفقیت را مخالف نقش خود ببینند و بنابراین، از آن می‌ترسند (Mottaghi et al. 2004).

در این راستا برخی مطالعات روی ترس از دستیابی زنان مشخص کرده است که زنان با موفقیت بالا از فعالیت‌های سنتی مردانه به کارهای سنتی زنانه تغییر جهت می‌دهند (Helgeson 2012). مطالعه Gjerberg (2002) تفاوت‌ها و شباهت‌های جنسیتی را بین تخصص‌ها در میان پزشکان نروژی بررسی کرد. او تشخیص داد که زنان شاغل در پزشکی بیشتر از رشته‌هایی مانند جراحی پزشکی (که بیشتر مردانه تلقی می‌شوند) به رشته‌هایی مانند زنان و زایمان که بیشتر زنانه در نظر گرفته می‌شوند، روی می‌آورند. به علاوه Gjerberg دریافت که دلایل این تغییر شامل حجم کار سنگین، شیفت‌های شبانه و تلاش پزشکان زن برای ترکیب مراقبت از کودک و کار است. تحقیقات اخیر همچنین نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با شرکت‌کنندگان مرد تمایل کمتری به همدلی با خود نشان می‌دهند (Reilly et al., 2014). همچنین مطالعه‌ای توسط Tilfarlioglu and Ekler (2019) انجام شد که هدف از آن ریشه‌یابی مشکلات مربوط به ترس از موفقیت در کلاس‌های درس و راه حل‌های ارائه شده توسط مربیان بود. با ده مربی در یکی از دانشگاه‌های دولتی ترکیه مصاحبه شد. تنها چهار نفر از آنها تمایل داشتند به جای توضیح مشاهدات خود در مورد ترس از موفقیت دانش‌آموزان در کلاس، در مورد ترس خود یا دوستانشان از موفقیت در دوران دانشجویی، صحبت کنند. بنابراین باید توجه داشت که ترس از موفقیت مفهومی نیست که بتوان آن را به راحتی در کلاس‌ها مشاهده کرد، اما به این معنی نیست که چنین امری وجود ندارد چرا که برخی از مربیان تمایل داشتند در مورد تجربیات خود یا دوستانشان در این مورد، گفتگو کنند. علاوه بر این، نتایج این مطالعه نشان داد که دانش‌آموزان در رابطه با موفقیت تحصیلی انتظارات منفی از جمله بار اضافی که موفقیت می‌تواند به همراه داشته باشد، تأثیر منفی بر روابط و احساسات دیگران، فشار همسالان، خرافات و کمرویی، داشته که این انتظارات منفی می‌تواند بر رفتار و بر موفقیت آنها تأثیر بگذارد (Ekler & Tilfarlioglu, 2020).

تأثیرات فرهنگی - اجتماعی، نقش‌های جنسیتی و ترس از موفقیت

بعد از هورنر عده‌ای از محققان به بررسی تفاوت‌های جنسی در ترس از موفقیت پرداختند که نتایج این پژوهش‌ها همگن نبود. (Kalsner 1992) دریافت که زنان در مقایسه با مردان

ترس از موفقیت بیشتری را تجربه می‌کنند اما بر اساس یافته‌های دیگر پژوهش‌ها تفاوتی میان زنان و مردان بر اساس ترس از موفقیت مشاهده نمی‌شود (Niknam & Hejazi, 2007). برخی از یافته‌ها نیز (Petri, 1996) ترس از موفقیت را عکس‌العمل زنان و مردان به رفتارهایی می‌دانند که با جنس آنها مغایرت دارد. (Deaux, 1998) معتقد است که ما رفتار متناسب با کلیشه‌های جنسیتی را می‌آموزیم و بسیاری از رفتارها و واکنش‌های ما به وسیله کلیشه‌های فرهنگی از مردانگی و زنانگی هدایت می‌شود. باورهای کلیشه‌ای جنسیتی، نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه را با وجود یا عدم وجود صفات شخصیتی خاصی تعریف نموده‌اند. صفات بیانی مثل عاطفی بودن، درک دیگران، هم درد بودن، دلسوز بودن، علاقمند بودن به پرورش کودکان را به عنوان صفات زنانه در نظر می‌گیرند و این در حالی است که صفات ابزاری با واژه‌هایی چون مستقل، مسلط، با جرات و پیشرفت‌گرا و رقابت‌جو بودن برای صفات مردانه توصیف می‌گردد. از این رو، چون صفات مردانه به طور کلیشه‌ای بسیار مثبت تلقی می‌شود، پس افراد با نقش جنسیتی مردانه در رفتار پیشرفت‌مشکل‌چندانی احساس نمی‌کنند. اما افراد در نقش جنسیتی زنانه به دلیل اینکه برای اهداف پیوندگرایی زنانه اجتماعی شده‌اند، در موقعیت‌های پیشرفت‌رقابتی، رفتار اجتنابی نشان می‌دهند. در طول تاریخ زنان به دلیل ماهیت محدودکننده جامعه و بعضاً به دلیل محدودیت‌های فرزندآوری و فرزندپروری، قادر به رسیدن به برخی آرزوهای خود نبوده‌اند. در مقابل مردان معمولاً تشویق می‌شدند که موفق شوند و نان‌آور خانه باشند. خصوصیات مورد نیاز برای کارهای سنگین به کلیشه‌های مردانه از جمله جسور بودن، جراتمند بودن، خشن و پرخاشگر بودن، نزدیک‌تر است. کلیشه‌های زنانه همچون مهربان بودن، حساس بودن، عاطفی و منفعل بودن آنها را در شرایط نامساعد رقابتی قرار می‌دهد. ارزشها و انتظارات اجتماعی، کلیشه‌های نقش جنسیتی را در فرهنگ تداوم بخشیده و مردان را "مردانه" و زنان را "زنانه" می‌داند و این کلیشه‌های نقش جنسیتی که توسط فرهنگ ایجاد می‌شود بر شیوه زندگی ما در سراسر وجودمان حاکم است (Singh & Agrawal, 2007). به عقیده Singh and Agrawal (2007) تبعیض جنسیتی که زنان در جامعه با آن مواجه می‌شوند در مفاهیم سنتی همسر بودن و مادری انعکاس می‌یابد. همانطور که Buddhapriya (1999) اظهار می‌دارد این تصور که موفقیت تنها با ازدواج و خانواده محقق می‌شود مورد قبول بسیاری از مردم شناسان بود. تعدادی از زنان راه حل قابل قبولی از نظر اجتماعی در زمینه‌های

تدریس، پرستاری و مددکاری اجتماعی پیدا کردند، جایی که ویژگی‌های پذیرفته شده عمومی زنان مانند پرورش، محافظت، تقویت رشد در دیگران و غیره می‌تواند تحقق یابد. جامعه تصویری از زنانگی را پرورش داده است که بر لطافت و شفقت به قیمت از دست دادن استعدادها و احساسات ارزشمند دیگر تأکید دارد. بنابراین زنان در «تله‌های شفقت» افتاده‌اند. شواهد حاکی از آن است که زنانی که به دنبال استقلال و تسلط فکری هستند، بهای شخصی بالایی را برای سرپیچی از نقش جنسی تعیین شده می‌پردازند؛ بهای اضطراب. «ترس از موفقیت» ترس از این است که فرد تمامی آنچه را که در نظر دارد به سرانجام برساند، اما شادی، خشنودی و رضایت حتی پس از رسیدن به هدف وجود نداشته باشد. این اعتقاد به عدم شایستگی برای چیزهای خوب به این معنی است که دیگران افراد بهتری هستند که در صورت عدم حفظ عملکرد، جایگزین خواهند شد. بدین ترتیب پیش بینی پیامدهای منفی و نقش جنسی هر دو در ترس از موفقیت نقش دارند (Singh & Agrawal, 2007)

همچنین Rabstajnek (2015) در یک تحلیل تاریخی از ترس از موفقیت، استدلال کرد که چندین نسل از فرهنگ و جامعه‌پذیری باعث شده است که زنان اشتیاق خود را برای موفقیت سرکوب کنند و به مرور زمان این امر توسط زنان درونی شده است. بنابراین، ترس از موفقیت از نظر اجتماعی تعیین شده و عمیقاً در نقش‌های جنسیتی تعبیه شده است. اگرچه ترس از موفقیت هم در مردان و هم در زنان مشهود است، اما از تأثیرات فرهنگی و اجتماعی مختلف ناشی می‌شود و تأثیرات اجتماعی متفاوتی برای جنسیت‌های مختلف دارد (Helgeson, 2012). هورنر مشاهده کرد که ویژگی‌هایی مانند شایستگی، استقلال و دستاوردهای فکری با هنجارهای اجتماعی و استانداردهای زنانگی مطابقت ندارند، اما به خوبی با هنجارها و معیارهای مردانگی همسو هستند (Anjum & Godil, 2019).

در فرهنگ‌های محافظه کار، هر نوع خودنمایی کردن به نقض هنجارهای جنسیتی زن تبدیل می‌شود و به سرعت توجه اطرافیان را به خود جلب می‌کند. جالب توجه است که خود زنان نیز به همان اندازه نسبت به زنانی که در مورد موفقیت و دستاوردهای خود صحبت می‌کنند منفی هستند (Anjum & Godil, 2019). در مطالعه (Anjum and Godil, 2019)، به این نکته اشاره شده است که در فرهنگ‌های محافظه‌کار و پدرسالارانه مانند فرهنگ پاکستان، تعریف کلی از حیا بر اساس هنجارهای مذهبی و مردسالارانه شکل می‌گیرد که به یک دسته

کلی از «رفتار متواضعانه» ترجمه می‌شود. این مقوله با مفهوم "دختر خوب" مشابهت دارد و به یک زن معمولی می‌آموزد که خودنمایی نکرده و توجه را به خود جلب نکند، مراقب لباس‌ها، نگرش، راه رفتن، صحبت کردن و کارهای روزانه‌اش باشد و او را تحت کنترل دائم برای تهدید شدن به برچسب بی‌حیایی توسط جامعه، نگه می‌دارد (Anjum & Godil, 2019). در همین راستا، (Bell, 1996) در مطالعه خود «معضل سکوت در برابر خودنمایی» را شناسایی کرد، جایی که دریافت که دختران معمولاً موفقیت خود را پنهان می‌کنند زیرا صحبت کردن در مورد آن مانند خودنمایی است که ممکن است باعث شود دیگران احساس بدی نسبت به آنها داشته باشند (Helgeson, 2012)؛ حتی در دنیای مجازی رسانه‌های اجتماعی، که اغلب برای خودنمایی کردن طراحی شده‌اند (مانند توییتر، فیس بوک و غیره). Bustillos در مقاله خود، "چرا نمی‌توانیم در توییتر خودنمایی کنیم؟" اشاره می‌کند که بیشتر خودنمایی کردن‌ها در توییتر و فیس بوک توسط مردان انجام می‌شود، جایی که آنها در حال تمجید از دستاوردهای خود دیده می‌شوند (Anjum & Godil, 2019). پیامد قوی این امر ممکن است «درونی‌سازی» باشد، یعنی از آنجایی که دختران از ارزش‌های متناقضی که ریشه در واکنش آنها به موفقیت دارد آگاه نیستند، ممکن است این نقش‌های جنسیتی را درونی کنند. (Bell, 1989). دوگانگی یا "سکوت" آنها در مورد موفقیت می‌تواند منجر به شکست دستاوردهای خود، عدم تمایل به ریسک کردن به خاطر موفقیت و در نهایت ترس از انجام وظایفی با پتانسیل موفقیت بالا شود. ترس از موفقیت در زنان می‌تواند ارتباط تنگاتنگی با هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های مردسالارانه القا شده در افراد داشته باشد که به زن ستیزی درونی شده منجر می‌شود. در مطالعه‌ای که توسط (Fleming 1982) انجام شد، ترس از موفقیت در زنان به وضوح با تلاش‌هایی برای دنبال کردن شغلی مرتبط بود که به آنها اجازه می‌داد امور خانه‌داری را در اولویت قرار داده و به آنها توجه داشته باشند (از آنجایی که آنها حوزه تخصص زنان هستند)، که اعتقادی دیکته شده توسط ارزش‌های اجتماعی مردسالارانه می‌باشد.

تحقیقات (Anjum et al., 2019) در مورد شکاف جنسیتی در مشارکت زنان در نیروی کار نشان می‌دهد که فارغ‌التحصیلان زن از دانشگاه‌ها و کالج‌های مراکز شهری پاکستان دائماً در تلاش برای ایجاد تعادل بین هنجارهای مذهبی و مردسالارانه هستند. این هنجارها زنان را در مشاغل خاصی محدود می‌کند که به نظر می‌رسد برای زنان مناسب‌تر است و با نقش‌های زنانه

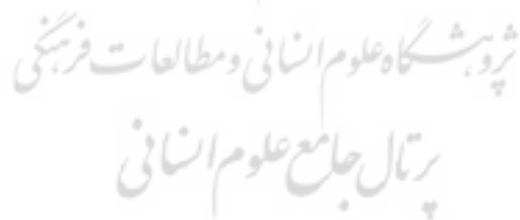
آن‌ها در تضاد نیست، یعنی علی‌رغم داشتن تحصیلات حرفه‌ای در رشته‌های پزشکی و روان‌شناسی، بسیاری ترجیح می‌دهند در خانه بمانند و به نقش‌های مراقبتی بپردازند. این نشان می‌دهد که چگونه هنجارهای جنسیتی مذهبی و مردسالارانه مانع توانایی زنان برای استفاده کامل از پتانسیل خود (به ویژه در محل کار) می‌شود. تحقیقات جدیدتر که توسط Anjum et al. (2018) انجام شده است، نشان می‌دهد که باورهای جنسیتی و تمایلات عملی مردان و زنان برای حقوق زنان ضعیف است و شکافی در درک و تأثیر این باورها بر مشارکت زنان در تعامل آموزشی و سیاسی وجود دارد.

جمع بندی

در این مقاله به مفهوم ترس از موفقیت و عوامل زمینه ساز آن پرداختیم. با نگاهی به آنچه ذکر شد می‌توان گفت که به طور کلی ترس از موفقیت می‌تواند ترس از بزرگ منشی خودمان، گریز از سرنوشتمان، یا راهی برای اجتناب از به کارگیری استعدادهايمان را شامل شود. هنگامی که ناگهان در موقعیت دستیابی به آنچه همیشه در طلب آن بودیم قرار بگیریم، به طرز نامحسوس و اغلب ناهشیار خود را عقب می‌کشیم. ما ممکن است ناهشیارانه از شهرت، خوشبختی و مسئولیتی که به همراه موفقیت می‌آید بترسیم. موفقیت اغلب انتظارات دیگران از ما را ایجاد کرده و فشار برای عمل کردن در سطح بالا در هر زمان تحت نگاه انتقادی دیگران را افزایش می‌دهد. با قرار گرفتن در جایگاه‌های بالاتر، انتظارات، نگاه موشکافانه و انتقادات بیشتر شده و ترس از افشا شدن شدیدتر می‌شود. افراد ممکن است با چالش‌هایی مواجه شوند که دائماً آنها را وادار می‌کند عملکردی بهتر از خود نشان دهند. موفقیت همچنین ممکن است چالش‌های بسیار ملموسی چون تنهایی، دشمنان جدید، ساعات کاری طولانی و دوری از خانواده را به همراه داشته باشد.

شایان ذکر است که به طور کلی چندین راه برای متوقف کردن یا مدیریت کردن ترس از موفقیت وجود دارد که از جمله آنها بررسی و مقابله با باورهای منفی، توضیح افکار و احساسات، فکر کردن به موفقیت‌های گذشته، پذیرش اجتناب‌ناپذیر بودن ناراحتی از ترس از موفقیت، آگاهی از راه‌هایی که فرد در مورد خودش کار شکنی می‌کند و توجه به ریشه ترس می‌باشد. افرادی که ترس از موفقیت دارند، ممکن است به روش‌های متفاوتی با ترسشان

مقابله کنند که بر موفقیت آنها تأثیر می‌گذارد. بنابراین توانایی‌ها و راه‌هایی که فرد به کار می‌گیرد، ممکن است از سطح ترس از موفقیت آنها به هنگام تلاش برای موفقیت، مهم‌تر باشد. به علاوه در نظر گرفتن پاسخ فرد به هنگام مواجه شدن با موفقیت، نیز از اهمیت برخوردار است (Tilfarlioğlu & Ekler, 2019). توجه به نقش مهم نظام‌های آموزشی در اینجا خالی از لطف نیست. مریبان می‌توانند دانش‌آموزان را وادار کنند به جای نتایج منفی، بر مزایای موفقیت تمرکز کنند. علاوه بر این، رویکرد معلمان می‌تواند بر دانش‌آموزان تأثیر مثبت گذاشته و حتی بیان تجربیات خود معلمان در مورد این موضوع می‌تواند به دانش‌آموزان کمک شایانی کند. همچنین در پژوهش (Joghataei et al., 2022) مشخص شد که آموزش تنظیم هیجان با کاهش هیجان‌ات منفی و جایگزین کردن آنها با هیجان‌ات مثبت در کاهش ترس از موفقیت در دانش‌آموزان مؤثر بود. بنابراین معلمان، مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند با بهره‌گیری از این روش به کاهش هرچه بیشتر ترس از موفقیت در افراد به ویژه زنان کمک کرده و گامی در جهت پیشرفت آنها در زمینه‌های مختلف تحصیلی، شغلی، اجتماعی بردارند.



سپاسگزاری: نویسنده مراتب تشکر خود را از همه کسانی که با نقد و مشورت در تکمیل این پژوهش مؤثر بوده‌اند، اعلام می‌دارد. بر خود لازم می‌دانم تا از راهنمایی‌های علمی پروفسور سودابه بساک نژاد تشکر نمایم.

تضاد منافع: نویسنده اذعان می‌کند که در این مقاله هیچ نوع تعارض منافی وجود ندارد.

منابع مالی: این مقاله از حمایت مالی برخوردار نبوده است.

References

- Anjum, G., Aziz, M., Chilton, A., & Usman, Z. (2018). Gender beliefs and action tendencies for women's rights: Impact of National vis-a-vis International policy recommendations. *Journal of Development Policy, Research and Practice*, 1, 15–33.
- Anjum, G., & Godil, A. (2019). Fear of achievement among young women in urban Pakistan: a phenomenological analysis of fear of achievement (foa). *Cogent Social Sciences*, 5, 1-18.
- Anjum, G., Kamal, A., & Bilwani, S. (2019). Antecedents of gender gap in workforce participation: A phenomenology of psychologists and medical doctors in urban Pakistan. *Human Behavior in the Social Environment*, 29(2), 282–299.
- Atkinson, John W. (1957). Motivational determinants of risk-taking behavior. *Psychological Review*, 64(6, Pt.1), 359–372.
- Atkinson, J. W., & Birch, D. (1978). *An introduction to motivation*. New York; Van Nostrand.
- Bell, L. A. (1996). In danger of winning: Consciousness raising strategies for empowering girls in the United States. *Women's Studies International Forum*, 19(4), 419–427.
- Bell, L. A. (1989). Something's wrong here and it's not me: Challenging the dilemmas that block girls' success. *Journal for the Education of the Gifted*, 12(2), 118–130.
- Buddhapriya, S. (1999). Fear of Success among Women Managers: An Empirical Investigation. *Vikalpa*, 24(4), 17-28.
- Chery, F., & Deaux K. (1978). Fear of success versus fear of Gender – Inappropriate Behavior, *Sex Roles*, (4), 97 - 102.
- Clane, P. R., & Imes, S. A. (1978). The imposter phenomenon in high achieving women: Dynamics and therapeutic intervention. *Psychotherapy: Theory, Research & Practice*, 15(3), 1-8.
- Deaux, K. (1998). *Defining gender roles and stereotypes psychological in D.L. and A.L. Law constructions of masculinity and femininity. (Eds), Questions of gender: perspectives and paradoxes*. New York: McGraw Hill Press.
- Ekler, T., & Tilfarlioğlu, F. Y. (2020). A study on the possible effects of the fear of success and rejection sensitivity on academic success. *KMU Journal of Social and Economic Research*, 22(38), 164-186.
- Engle, J. (2003). Fear of success revisited: A replication of Matina Horner's study 30 years later. *Annual meeting of the American Educational Research Association*.
- Fleming, J. (1982). Fear of success in black male and female graduate students: a pilot study. *Psychology of Women Quarterly*, 6(3), 327–341.

- Gjerberg, E. (2002). Gender similarities in Doctors' preferences – And gender differences in final specialization. *Social Science & Medicine*, 54(4), 591–605.
- Helgeson, V. S. (2012). *Psychology of Gender*, 4th ed. 186–190. Boston: Pearson.
- Horner, M. S. (1972). Toward an understanding of achievement-related conflicts in women. *Journal of Social Issues*, 28(2), 157–175.
- Horney, K. (1937). The Neurotic Personality of Our Time. New York: Norton. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77(14), 94-110.
- Hyde, S. J. (1998). *Psychology of Women*. Translate: Behzad Rahmati. Tehran Jeyhoon publication. [Persian]
- Joghataei, I. A., Mafakheri, A., & Bakhshipour, A. (2022). Effectiveness of emotion regulation training on risky behaviors, academic procrastination, and fear of success among students. *Razavi International Medicine*. 10(1), e1169 [Persian]
- Kets De Vries, M.F.R. (2017). *Riding the leadership rollercoaster: an observer's guide*. Palgrave Macmillan press.
- Koffman, D. T., & Richardson, B. (1982). *Achievement and women: challenging the assumption*, New York: the free press.
- Kolligian, J., & Sternberg, R. (1991). Perceived fraud alone in young adults: is there an impostor syndrome? *Journal of Personality Assessment*, 56(2). 308-326.
- Kosakowska-berezecka, N., Jurek, P., Besta, T., & Badowska, S. (2017). Self-presentation strategies, fear of success and anticipation of future success among university and high school students. *Frontiers in Psychology*, 8, 1-12.
- Kalsner, L. (2001). The influence of developmental and emotional factors on success in college. *Higher Education Extension Service Review*, 3(2),
- Lew, A. S., Allen, R., Papouchis, N., & Ritzler, B. (1998). Achievement Orientation and Fear of Success in Asian American College Students. *Journal of Clinical Psychology*, 54(1), 97–108.
- London, B., Downey, G., Romero-Canyas, R., Rattan, A., & Tyson, D. (2012). Gender-based rejection sensitivity and academic self-silencing in women. *Journal of Personality and Social Psychology*, 102(5), 961. 10.1037/a0026615
- Mansoobifar, M., Delavar, A., Ahadi, H., & Nafisi, Q. (2012). Normalization of Fear of Success Test. *Journal of Behavioral Science*, 4 (12), 131-147. [Persian]
- McClelland, D. (1985). *Human motivation*. Glenview, IL: Scott, Fore Stone.
- Mehrabizadeh Honarmand, M., Basaknezhad, S., Shehni Yailagh, M., Shokrkon, H., & Haghighi, J. (2005). A Study of Simple and Multiple

- Relationships of Fear of Success, Self-Esteem, Perfectionism and Fear of Negative Evaluation with Imposter Syndrome in Graduate Students of Shahid Chamran University. *Journal of Education and Psychology*, 12(3), 1-24. [Persian]
- Mottaghi, M. H., Mousa Pour, N., & Arjmand Kermani, Sh. (2004). Reasons Related to Fear of Success in Female Employees. *Women's Studies*, 2(5), 39-64. [Persian]
- Myers, A. M. G Gonda (1982) utility of the masculinity-femininity construct. *Comparison of Traditional Psychology*, (43), 514-522.
- Niknam M. Hejazi E. (2007). Fear of success and psychological satisfaction in university students. *Journal of Psychological Studies*, 2(4-3), 57-74 [Persian]
- Petri, H. (1996). *Motivation Theory and Application* (312-314). Pacific Grove: Brooks/cole publishing Company.
- Puspita sari, W. (2018). Work-family conflict, fear of success, and organizational commitment in working women (study of working women in Bandung). *Reports on Economics and Finance*, 4(2), 71 – 82
- Rabstejnek, C. (2015). Fear of success: A phenomenon with assorted explanations (Including psychoanalytic, feminist, and other theories). doi:10.13140/RG.2.1.1349.9047.
- Reilly, E. D., Rochlen, A. B., & Awad, G. H. (2014). Men's self-compassion and self-esteem: The moderating roles of shame and masculine norm adherence. *Psychology of Men & Masculinity*, 15(1), 22–28.
- Rothblum, E. D. (1990). *Fear of Failure*. In: Leitenberg, H. (eds) *Handbook of Social and Evaluation Anxiety*. Springer, Boston, MA. https://doi.org/10.1007/978-1-4899-2504-6_17
- Sadri Damirchi, E., & Mohammadi, N. (2016). Comparison of the Identity Style, Self-Monitoring and Fear of Success in Normal and Anxiety Medical Sciences University Students. *Educational Strategies*, 9(4) 306-314. [Persian]
- Singh, K. A. (2019). What Impostors Phenomenon and Fear of Success Talk About Indian School Education? An Empirical Study. *Philosophy of Education*, 5(163), Doi: 10.21847/1728-9343.2019.5(163).181775
- Singh, K., & Agrawal, P. (2007). Perceived sex role and fear of success: a study on urban working women. *Journal of Social Sciences*, 15(1), 65-69.
- Stanculescu, E. (2013). University students' fear of success from the perspective of positive psychology. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 78, 728 – 732.
- Tomkiewicz, J., Bass, K., & Vaicys, Ch. (2005). "Comparing fear of success and fear of appearing incompetent among African Americans' and Whites' business candidates". *Equal Opportunities International*, 24(2), 19 – 29.

- Tresmer, D. (1977). *Fear of success*. New York: plenum press.
- Tresemmer, D. (1976). Do Women Fear Success? *Signs*, 1(4), 863–874.
- Yazdi, S. M., & Afsharinezhad, S. (2021). The Mediating Roles of Defense Mechanisms in the Relationship between Attachment Styles with Fear of Success. *Psychological Studies*, 17(1), 59-76. [Persian]

